

بررسی کارکرد خانواده و نقش سبک های فرزندپروری مادران در پیش بینی مشکلات رفتاری

شیلا کارازه^۱، منصور عبدی^۲

و حسن حیدری^۳

محیط خانواده، مساعدترین مکان برای رشد کودک و تعالی فکری و جسمی اوست. هدف پژوهش حاضر، بررسی کارکرد خانواده و نقش سبک های فرزندپروری مادران در پیش بینی مشکلات رفتاری پسران ۵ تا ۱۰ ساله ی شهر اهواز بود. بدین منظور، طی یک پژوهش توصیفی از نوع همبستگی، ۲۰۰ مادر به صورت تصادفی خوشه ای چند مرحله ای از بین مادران دانش آموزان پسر ۵ تا ۱۰ سال پیش دبستانها و دبستانهای شهر اهواز انتخاب و از نظر کارکرد خانواده، شیوه های فرزندپروری و علایم مرضی کودک مورد آزمون قرار گرفتند. برای تحلیل داده ها از ضرایب همبستگی و رگرسیون چندگانه استفاده شد. یافته ها نشان داد که سبک فرزندپروری مستبدانه با میانگین ۲۲/۳۳ بیشترین سبک فرزندپروری مادران است و خرده مقیاس های ارتباط، همراهی عاطفی، کنترل رفتار و کارکرد کلی خانواده با مشکلات رفتاری رابطه ی معنی داری دارد. همچنین سبک فرزندپروری مستبدانه با اختلال بیش فعالی رابطه ی مثبت و با اختلال خلقی رابطه ی منفی معنی داری دارد. سبک فرزندپروری سهل گیرانه با اختلال بیش فعالی، رفتار و کردار و اضطراب جدایی رابطه ی مثبت و با اختلال خلقی رابطه ی منفی معنی داری دارد. نتایج نشان داد که تنها خرده مقیاس همراهی عاطفی توانست اختلال اضطراب جدایی را پیش بینی کند و سبک فرزندپروری سهل گیرانه اختلال بیش فعالی و اضطراب جدایی، سبک فرزندپروری مستبدانه اختلال رفتار و کردار و اختلال خلقی و سبک فرزندپروری مقتدرانه اختلال اضطراب جدایی را پیش بینی می کنند.

واژه های کلیدی: کارکرد خانواده، سبک های فرزندپروری، مشکلات رفتاری

مقدمه

نحوه ی ارتباط والدین با کودکان، قوی ترین عامل موثر بر الگوهای تعاملی خانواده محسوب می شود به خصوص در دوره هایی از زندگی کودکان که تحولات اساسی رشد روانی طی می شود. تحقیقات پیرامون آسیب های روانی کودکان نشان می دهد که بسیاری از خانواده ها از شیوه های تربیتی

۱. دپارتمان مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمین. خمین، ایران.

۲. دپارتمان روان شناسی، دانشگاه دانشگاه اراک (نویسنده ی مسوول) shilakarazehh@gmail.com

۳. دپارتمان روان شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمین. خمین، ایران.

نامطلوب که منشا ترس، عدم اعتماد، احساس نارضایتی، بدبینی و اضطراب در فرزندان است، استفاده می کنند (علیزاده و اندریس، ۲۰۰۲). والدینی که در ارتباطات خود متزلزل، فاقد اطمینان خاطر و بی ثباتند، در نحوه ی تربیت فرزندان با یکدیگر توافق ندارند، از الگوهای فرزند پروری مبتنی بر طرد حمایت افراطی با اغماض یا تسلط، انضباط دوگانه، سستی موازین اخلاقی، کمال جویی های غیر منطقی و عصبانیت و بی ثباتی عاطفی استفاده می کنند، رفتارهای نوروتیک را در کودکان تثبیت می کنند و سبب می شوند که کودکان از نظر هیجانی و عاطفی نیازمندتر شده و در چنین شرایطی از حس اعتماد و امنیت که اساس تحول هیجانی سالم محسوب می شود، ناکام بمانند (مک کارتی و لو، والیر و دیگران، ۲۰۰۴). خانواده، بافت اصلی رشد کودک است و عوامل خانوادگی، ویژگی های فردی کودک، نشانگان قبلی و حوادث زندگی، بروز ناسازگاری های رشدی و آسیب های روان شناختی را پیش بینی می کند (لوما، ۲۰۰۴). پژوهش ها نشان می دهد که یکی از مهمترین عوامل خانوادگی در تحول این مشکلات رفتاری، سبک فرزندپروری است (همتی علمدارلو و خانزاده، ارجمند وهمکاران، ۲۰۱۴). سبک فرزندپروری، بیانگر روابط عاطفی و نحوه ی ارتباط کلی والدین با فرزندان است و عامل مهمی برای تحول و یادگیری کودکان به حساب می آید (هالستین، ۲۰۰۴).

بامریند (۱۹۹۱) سبک فرزندپروری را به عنوان کارکرد کنترلی والدین معرفی می کند و با توجه به ابعاد رفتاری، گرمی و کنترل آن را به انواع مستبدانه، مقتدرانه و سهل گیرانه تقسیم می کند. سبک فرزندپروری مستبدانه، با کنترل سخت، سطح محدودیت بالا، انضباط ناپایدار و خشن، میزان پایین حمایت عاطفی و گرمی مشخص می شود. والدین با این سبک فرزندپروری فاقد گرمی و صمیمیت در روابط خود با فرزندان هستند و انتظار دارند که فرزندان خواسته ها و تقاضاهای آنها را بی چون و چرا برآورده کنند (گیمبل و هالند، ۲۰۰۲). نتایج پژوهش ها نشان داده است که والدین با سبک فرزندپروری مستبدانه بیشتر از رویکرد تنبیهی شامل تهدید، انتقاد و دیکته کردن قوانین به صورت اجباری استفاده می کنند، خودپیروی کودکان شان را محدود می کنند و خودشان تصمیم می گیرند که چه رفتارهایی برای فرزندان مناسب است (دهارت، پلهام و تنن، ۲۰۰۶). سبک فرزندپروری مقتدرانه با ترکیبی از کنترل و حمایت عاطفی بالا، سطح مناسب استقلال و روابط دوسویه بین والدین و کودک شناسایی می شود. والدین با این سبک تربیتی به صورت افرادی گرم و صمیمی توصیف شده اند. آنها در عین حال که بر رفتارهای کودکان شان کنترل دارند، برای خواسته هایی که از فرزندان خود انتظار دارند نیز از دلایل و توضیحات منطقی استفاده می کنند و قواعد آشکاری را برای رفتار مناسب فرزندان خود تعریف می کنند. این سبک فرزندپروری با پیامدهای مثبت همچون پیشرفت

تحصیلی بالا، اتکا به خود بالاتر و روابط بهتر با همتایان رابطه دارد (ریتمن، رود و هاپ، ۲۰۰۲). سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه با فقدان کنترل والدین و پاسخ‌دهی به خواسته‌های کودک مشخص می‌شود. والدین سهل‌گیر سعی دارند برای کودکان خود محیطی گرم، آرام و پذیرا به وجود آورند، با این حال بر اعمال فرزندان خود کنترل و نظارت ندارند (هاپاسالو و ترمبلا، ۱۹۹۴). والدینی که از سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه استفاده می‌کنند از اعمال قواعد ناپایدار یا فاقد ساختار استفاده می‌کنند. هر چند ممکن است این والدین با عاطفه باشند ولی، شکست آنها در نظم‌دهی به رفتار کودکانشان می‌تواند به عزت نفس پایین منجر شود زیرا کودکان نیز در یادگیری شکل‌های مناسب خود نظم‌بخشی با شکست مواجه می‌شوند (دهارت و همکاران، ۲۰۰۶). سبک فرزندپروری مستبدانه والدین با پیامدهای رفتاری منفی همچون پرخاشگری، اختلال‌های برون‌نمود^۱ و درون‌نمود^۲ و کارکرد هیجانی پایین‌تر در ارتباط است (ویستر - استراتون، ۲۰۰۵). کودکان این والدین به مشارکت و همکاری تمایلی ندارند و از عزت نفس پایین، افسردگی و مشکلات در تصمیم‌گیری در سنین بزرگسالی رنج می‌برند (دوایری و کاریمان، ۲۰۰۶). این کودکان مطیع و پیرو، دارای پیشرفت تحصیلی و ادراک خود پایین و سطوح بالای اختلال‌های روانی و جسمانی هستند (سامروف، ۲۰۰۴).

سبک فرزندپروری مقتدرانه با رفتارهای ضداجتماعی رابطه‌ی منفی دارد، کودکان این والدین از لحاظ پیامدهای اجتماعی - هیجانی و تحصیلی در وضعیت مطلوبی قرار دارند از عزت نفس بالایی برخوردارند و گرایش به خوداتکایی، خودکنترلی و کنجکاوای در آنها زیاد است (بوگنتال و گروسس، ۲۰۰۶). کودکان چنین والدینی، دارای سطوح بالای شایستگی، پیشرفت تحصیلی، رشد اجتماعی و خود ادراکی هستند و مشکلات روان‌شناختی و رفتاری کمتری را نسبت به دو سبک دیگر نشان می‌دهند (دوایری و کاریمان، ۲۰۰۶). با توجه به آنچه گفته شد، هدف پژوهش حاضر بررسی کارکرد خانواده و شیوه‌های فرزندپروری و ارتباط آن با مشکلات رفتاری کودکان ۵ تا ۱۰ سال شهر اهواز بود.

روش

این پژوهش، یک پژوهش توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه‌ی آماری این پژوهش شامل مادران دارای فرزند پسر ۵ تا ۱۰ ساله شهر اهواز بود که در سال تحصیلی ۹۴-۹۳ در پیش دبستانی‌ها و دبستانها مشغول به تحصیل بودند. برای نمونه‌گیری، ابتدا از بین پیش‌دبستانها و دبستانهای شهر اهواز ۲

مرکز پیش دبستانی و ۲ دبستان انتخاب و از هر یک ۴ کلاس انتخاب و سپس با توجه به نوع تحقیق نمونه ای به حجم ۲۰۰ دانش آموز پسر ۵ تا ۱۰ ساله انتخاب و مادران آنها با پرسشنامه های کارکرد خانواده^۱، شیوه های فرزندپروری^۲ و علایم مرضی کودک (فرم والدین)^۳ مورد آزمون قرار گرفتند. پرسشنامه ی سنجش خانواده (FAD) یک مقیاس خود گزارشی است که مبتنی بر مدل عملکرد خانواده ی مک مستر (MMFF) ساختار و نظم مناسب خانواده و الگوهای تعاملاتی بین اعضای گروه را مشخص می کند. این مقیاس شامل ۷ خرده مقیاس است که خرده مقیاس عملکرد کلی را نیز که شامل ۱۲ آیتم است، در بر می گیرد. ۶ خرده مقیاس باقی مانده بعد حل مشکل، ارتباط، نقش ها پاسخدهی عاطفی، آمیزش عاطفی و کنترل رفتار را ارزیابی می کند. در پژوهش امینی (۲۰۰۰) ضرایب آلفای کل مقیاس و خرده مقیاس های حل مشکل، ارتباط، نقش ها، همراهی عاطفی، آمیزش عاطفی، کنترل رفتار و عملکرد کلی به ترتیب، ۰/۶۱، ۰/۳۸، ۰/۷۲، ۰/۶۴، ۰/۶۵، ۰/۸۱ و گزارش شده است. آلفای گزارش شده از سوی ایشترین برای خرده مقیاس ها در دامنه ی ۰/۷۲ نقشها تا ۰/۹۲ کارکرد کلی و در مطالعه ی ثنایی روی دانشجویان ایرانی در دامنه ی ۰/۴۲ و نقش ها تا ۰/۷۴ کارکرد کلی و ۰/۹۱ برای کل مقیاس، گزارش شده است.

پرسشنامه ی شیوه های فرزند پروری (بامریند)، شیوه های فرزند پروری والدین را معلوم می کند. در مقابل هر عبارت ۵ ستون (کاملاً موافقم، تا حدودی موافقم، تا حدودی مخالفم، کاملاً مخالفم) به ترتیب از صفر تا ۴ نمره گذاری شده است که با جمع نمره های سوال های مربوط به هر شیوه و تقسیم آن بر تعداد سوالات، نمره ی معجزا بدست می آید. بورای (۱۹۹۱) برای بررسی اعتبار و روایی این پرسشنامه از روش (افتراقی) استفاده نمود و مشاهده کرد که شیوه ی استبدادی، رابطه ی منفی با سهل گیری ($r=0/38$) و اقتدار منطقی ($r=0/48$) دارد و شیوه ی سهل گیری، رابطه ی معنی داری با شیوه ی اقتدار منطقی او نداشت ($r=0/7$). بورای (۱۹۹۱) اعتبار و پایایی این پرسشنامه را تایید کرده است.

پرسشنامه ی علایم مرضی کودکان CSI-4 فرم والدین که یک مقیاس درجه بندی رفتار است و به منظور غربال اختلالهای رفتاری و هیجانی در کودکان سنین ۵ تا ۱۲ سال طراحی و دارای ۲ فرم مخصوص والدین و معلمین است و فرم والدین دارای ۱۱۰ سوال است. در پژوهش حاضر، به صورت اختصاصی بر ۵ گروه از اختلالات تمرکز شده است و از بین کلیه گروه های مورد بررسی در این

1. family assessment device
2. Parental authority questionnaire
3. The Child Symptom Inventory-4

پرسشنامه از گروه A الف، C، B، G، J که مجموعاً دارای ۴۵ سوال است، استفاده شد که پنج نوع اختلال بیش فعالی / کمبود توجه نوع فاقد تمرکز حواس (سیوالات ۹-۱)، اختلال ضدیت و نافرمانی (سیوالات ۲۶-۱۹)، اختلال رفتار یا کردار (سیوالات ۴۱-۲۷)، اختلال خلقی (سیوالات ۶۰ یا D۴۵ یا ۶۱ یا ۶۴-۶۲، ۶۷-۷۰) و اختلال اضطراب جدایی (سیوالات ۹۵-۸۸) را می سنجد. گرایسون و کارلسون (۱۹۹۱) حساسیت این آزمون را برای اختلال نافرمانی مقابله ای، اختلال سلوک و اختلال کاستی به ترتیب ۰/۹۳، ۰/۹۳، ۰/۷۷ گزارش کرده است. کلانتری، نشاط دوست و زارعی (۲۰۰۱) اعتبار این پرسشنامه را با استفاده از روش تنصیف برای فرم معلمان ۰/۹۱ و برای فرم والدین ۰/۸۵ به دست آورده اند. اعتبار محتوایی پرسشنامه در پژوهش محمد اسماعیل (۲۰۰۷) مورد تایید قرار گرفته است. برای تحلیل یافته ها از ضرایب همبستگی و رگرسیون چندگانه استفاده شد. داده ها با استفاده از نوزدهمین ویرایش نرم افزار SPSS مورد تحلیل قرار گرفت.

یافته ها

در جدول ۱، شاخص های توصیفی متغیر کارکرد خانواده، شیوه های فرزندپروری و مشکلات رفتاری ارائه شده است

جدول ۱. شاخص های توصیفی متغیر کارکرد خانواده، شیوه های فرزندپروری و مشکلات رفتاری

| متغیر | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ | ۵ | ۶ | ۷ | ۸ | ۹ | ۱۰ | ۱۱ | ۱۲ | ۱۳ | ۱۴ | ۱۵ |
|--------------------------------|---------|--------|-------|-------|--------|--------|-------|---------|--------|---------|------|-------|-------|-------|----|
| ۱. حل مسئله | | | | | | | | | | | | | | | |
| ۲. ارتباط | -۰/۰۹ | | | | | | | | | | | | | | |
| ۳. نقشی ها | -۰/۰۸ | ۰/۱۱ | | | | | | | | | | | | | |
| ۴. همراهی عاطفی | -۰/۱۲** | ۰/۱۵* | ۰/۱۴* | | | | | | | | | | | | |
| ۵. آبریزش عاطفی | ۰/۰۸ | ۰/۰۴ | ۰/۰۶ | -۰/۰۲ | | | | | | | | | | | |
| ۶. کنترل رفتار | ۰/۰۷ | ۰/۱۰ | ۰/۰۸ | -۰/۰۶ | -۰/۰۶ | | | | | | | | | | |
| ۷. کارکرد کلی خانواده | ۰/۰۱ | ۰/۱۱ | ۰/۰۹ | -۰/۰۳ | -۰/۱۷* | ۱ | | | | | | | | | |
| ۸. اختلال بیش فعالی و نقص توجه | -۰/۰۶ | -۰/۰۰ | -۰/۰۰ | -۰/۱۱ | -۰/۰۵ | ۱ | | | | | | | | | |
| ۹. اختلال نافرمانی مقابله ای | -۰/۰۸ | -۰/۱۴* | -۰/۰۶ | -۰/۱۳ | -۰/۰۹ | ۱ | ۰/۱۰ | | | | | | | | |
| ۱۰- اختلال رفتار و کردار | -۰/۰۸ | -۰/۰۹ | ۰/۱۱ | ۰/۰۶ | ۰/۰۲ | ۰/۱۳ | -۰/۰۹ | ۰/۳۳** | | | | | | | |
| ۱۱- اختلال خلقی | -۰/۰۱ | -۰/۰۵ | ۰/۰۶ | -۰/۰۷ | -۰/۰۱ | ۰/۰۴ | -۰/۰۱ | ۰/۴۱** | ۱ | | | | | | |
| ۱۲- اختلال اضطراب جدایی | -۰/۱۰ | ۰/۰۸ | ۰/۰۲ | ۰/۱۸* | -۰/۰۵ | ۰/۱۸* | -۰/۰۰ | ۰/۱۷* | ۰/۳۸** | ۱ | | | | | |
| ۱۳. فرزندپروری سهل گیرانه | -۰/۱۰ | ۰/۰۹ | -۰/۰۱ | ۰/۱۰ | -۰/۱۳ | ۰/۲۳** | ۰/۰۷ | -۰/۲۲** | ۰/۳۳** | ۱ | | | | | |
| ۱۴. فرزندپروری مستبدانه | ۰/۱۳ | -۰/۰۰ | -۰/۰۹ | ۰/۱۴* | ۰/۰۲ | ۰/۰۵ | -۰/۰۰ | ۰/۱۷* | -۰/۰۸ | -۰/۴۰** | ۱ | | | | |
| ۱۵. فرزندپروری مقتدرانه | ۰/۱۴ | -۰/۰۰ | -۰/۰۰ | -۰/۰۳ | -۰/۱۲ | -۰/۰۰ | -۰/۰۰ | ۰/۲۵** | ۰/۰۴ | -۰/۰۷ | ۰/۰۴ | ۱ | | | |
| M | ۳/۰۳ | ۳/۳۴ | ۳/۳۲ | ۳/۲۲ | ۳/۱۴ | ۳/۲۲ | ۳/۲۴ | ۷/۰۹ | ۴/۵۷ | ۵/۰۵ | ۵/۵۶ | ۲۱/۶۰ | ۲۲/۳۳ | ۱۷/۱۹ | |
| sd | ۰/۵۲ | ۰/۶۴ | ۰/۵۹ | ۰/۶۴ | ۰/۶۱ | ۰/۵۹ | ۰/۵۴ | ۴/۵۷ | ۳/۲۳ | ۲/۸۰ | ۳/۲۳ | ۷/۸۹ | ۶/۵۷ | | |

** .P<0.01 * .P<0.0

در جدول ۲، نتایج رگرسیون چندگانه گزارش شده است. همانگونه که مشاهده می شود، شیوه ی فرزندپروری سهل گیرانه قادر به پیش بینی اختلال ضدیت و نافرمانی در نمونه های مورد پژوهش است ($P > 0/05$)؛ همچنین شیوه ی فرزند پروری مستبدانه قادر به پیش بینی اختلال رفتار و کردار ($P < 0/01$) و اختلال خلقی ($P < 0/01$) بوده و شیوه ی فرزند پروری سهل گیرانه نیز توانست اختلال اضطراب جدایی ($P < 0/01$) را پیش بینی کند.

جدول ۳. خلاصه ی ضرایب رگرسیون چندگانه بررسی اختلالات پیش فعالی، نافرمانی، رفتاری، خلقی و اضطراب جدایی بر اساس شیوه های فرزندپروری در دانش آموزان پسر ۵ تا ۱۰ ساله ($n=200$)

| پیش بین | ملاک | R | R ² | F | B | Beta | T | Sig |
|-------------------|------|------|----------------|-------|-------|-------|-------|-------|
| شیوه ی فرزندپروری | - | - | - | - | ۲/۱۶ | - | ۱/۸۰ | ۰/۰۰۱ |
| سهل گیرانه | ADHD | ۰/۳۲ | ۰/۱۰ | ۷/۸۰ | ۰/۱۳ | ۰/۲۲ | ۲/۶۱ | ۰/۰۱ |
| مستبدانه | - | - | - | - | ۰/۰۳ | ۰/۴۴ | ۰/۴۴ | ۰/۶۵ |
| مقتدرانه | - | - | - | - | ۰/۰۸ | ۰/۱۱ | ۱/۴۴ | ۰/۱۵ |
| سهل گیرانه | ODD | ۰/۱۲ | ۰/۰۱ | ۱/۰۷ | ۰/۰۰ | ۰/۰۲ | ۴/۵۵ | ۰/۸۲ |
| مستبدانه | - | - | - | - | ۰/۰۵ | ۰/۱۱ | ۰/۲۲ | ۰/۱۴ |
| مقتدرانه | - | - | - | - | -۰/۰۰ | -۰/۰۰ | -۰/۰۴ | ۰/۹۶ |
| سهل گیرانه | D | ۰/۱۵ | ۰/۰۲ | ۱/۶۴ | ۰/۰۳ | ۰/۰۷ | ۰/۸۲ | ۰/۴۱ |
| مستبدانه | - | - | - | - | -۰/۰۷ | -۰/۱۴ | -۱/۸۸ | ۰/۰۴ |
| مقتدرانه | - | - | - | - | ۰/۰۵ | ۰/۰۹ | ۱/۰۶ | ۰/۲۲ |
| سهل گیرانه | MD | ۰/۴۲ | ۰/۱۷ | ۴/۲۱ | -۰/۰۵ | -۰/۱۱ | -۱/۴۰ | ۰/۱۶ |
| مستبدانه | - | - | - | - | -۰/۱۸ | -۰/۳۹ | -۵/۴۱ | ۰/۰۰۱ |
| مقتدرانه | - | - | - | - | ۰/۰۶ | ۰/۱۱ | ۱/۵۰ | ۰/۱۳ |
| سهل گیرانه | SAD | ۰/۳۹ | ۰/۱۵ | ۱۱/۸۴ | ۰/۲۱ | ۰/۴۹ | ۵/۸۷ | ۰/۰۰۱ |
| مستبدانه | - | - | - | - | -۰/۰۴ | -۰/۰۹ | -۱/۳۰ | ۰/۱۹ |
| مقتدرانه | - | - | - | - | -۰/۱۰ | -۰/۲۰ | -۲/۵۹ | ۰/۰۱ |

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی کارکرد خانواده و شیوه ی فرزندپروری و ارتباط آن با مشکلات رفتاری پسران ۵ تا ۱۰ سال را مورد پژوهش قرار داد. نتایج این پژوهش نشان داد که سبک فرزندپروری سهل گیرانه با اختلال بیش فعالی و نقص توجه و اختلال اضطراب جدایی رابطه ی مثبت و با اختلالات خلقی، رابطه ی منفی معنی داری دارد. سبک فرزندپروری مستبدانه با همراهی عاطفی اختلال بیش فعالی و نقص توجه، رابطه ی مثبت و با اختلالات خلقی، رابطه ی منفی معنی داری دارد. همچنین سبک فرزندپروری مقتدرانه تنها با اختلال بیش فعالی و نقص توجه رابطه دارد. از بین خرده مقیاس های مشکلات رفتاری، اختلال نافرمانی مقابله ای با خرده مقیاس ارتباط در کارکرد خانواده رابطه ی منفی و اختلال اضطراب جدایی با همراهی عاطفی کارکرد خانواده، رابطه ی مثبت معنی داری دیده شد. یافته های این پژوهش با نتایج صدرالسادات، شمس و امامی پور (۲۰۰۵)، یوسلیانی، حبیبی و سلیمانی (۲۰۱۲)، لاستر، مک آدو و پیپس (۲۰۰۰) و شک (۱۹۹۸) همسو است. پورترس هاول، براون و همکاران (۱۹۹۵) نیز نشان دادند که از بین شش بعد تشکیل دهنده ی مقیاس سنجش عملکرد خانواده، مولفه های کنترل رفتار و مشارکت عاطفی، بیشترین سهم را در پیش بینی سازگاری رفتاری دانش آموزان داشته اند.

صادق خانی، علی اکبری و کاکوجویاری (۲۰۱۲) نشان دادند که بین شیوه های فرزند پروری مادران گروه های پژوهش در الگوهای تربیتی مقتدرانه، مستبدانه و سهل گیرانه، تفاوت معنی داری وجود دارند. مادران کودکان با اختلال لجاجی - نافرمانی نسبت به مادران کودکان عادی بیشتر از شیوه ی فرزند پروری مستبدانه و سهل گیرانه و کمتر از شیوه ی فرزندپروری مقتدرانه استفاده می کنند. همچنین خانجانی، اسماعیلی و غلام زاده (۲۰۱۲) نشان دادند که علایم و سواس فکری و عملی و افکار اضطرابی، رابطه ی مثبت معنی داری با شیوه های فرزندپروری مستبدانه و سهل گیرانه و رابطه ی منفی معنی داری با شیوه فرزندپروری مقتدرانه دارد که با بخشی از نتایج پژوهش حاضر همسویی دارد. آهنگرانزایی، شریفی و فرج زاده (۲۰۱۱) نیز در پژوهش خود نشان دادند که بین سبک دمکراتیک با خشم، پرخاشگری کلامی و خصومت، رابطه وجود دارد که با یافته های این پژوهش همخوان است. در پژوهشی دیگر کمیجانی و ماهر (۲۰۰۷) دریافتند که شیوه ی فرزند پروری مستبدانه و سهل گیرانه در والدین آزمودنی های دارای اختلال سلوک بیشتر از والدین آزمودنی های عادی به کار گرفته می شود. ریتمن، رود و هاب (۲۰۰۲) نشان دادند که کودکان با والدین سهل گیر مهارت های اجتماعی پایینی دارند و اغلب خودخواه، وابسته و ضد اجتماعی به نظر می رسند. بوگنتال و گروسس (۲۰۰۶)

نشان داد که سبک فرزند پروری مقتدرانه با رفتارهای ضداجتماعی رابطه منفی دارد. راینالدی و هاو (۲۰۱۲) نیز نشان دادند که سبک های فرزندپروری والدین ۴۴ درصد از واریانس در رفتارهای برونی سازی کودکان مثل نافرمانی های مقابله ای و پرخاشگری را پیش بینی می کند. همچنین رفتارهای برون سازی کودکان، سبک فرزندپروری مستبدانه والدین را پیش بینی می کند. هیرامورا، یوجی، شیکایی و همکاران (۲۰۱۰) نشان دادند که پرخاشگری کودکان تا حدود زیادی با استفاده از سرشت کودک و سبک های فرزندپروری والدین قابل تبیین است.

برای تبیین شیوه های فرزندپروری مادران کودکان دارای اختلال ضدیت و نافرمانی، رفتاری، خلقی و اضطراب جدایی، تحقیقات جدید روی مولفه های رابطه، مراقبت و ساختار تکیه کرده اند (الکساندر، ۲۰۰۶). مسوولیت پذیری والدین و صمیمیت از عناصر مولفه های رابطه و مراقبت به شمار می روند و کنترل و محدودیت، از عناصر ساختار محسوب می شوند. به طور کلی در سبک های فرزندپروری مقتدرانه هر سه مولفه به میزان مناسب مشاهده می شود. این والدین با درخواست های معقول برای کودک محدودیت ایجاد می کنند و بر رفتار وی کنترل و نظارت دارند. در عین حال در رابطه ی خویش صمیمیت و محبت نشان می دهند. همچنین از رفتارهای محبت آمیز مانند در آغوش گرفتن یا بوسیدن کودک بیشتر استفاده می کنند. این والدین خود را در قبال کودک مسوول می دانند. از آن جا که این والدین کودکان خود را تشویق کرده و مشارکت در تصمیم گیری های خانواده را ترغیب می نمایند، کودکان آنها از اعتماد به نفس و خودگردانی بالاتری برخوردارند. بر اساس آنچه محققانی چون اریکسون، پیاز و دیگران درباره ی شرایط تحول شناختی، اجتماعی و هیجانی کودکان یافته اند به نظر می رسد زمانی که سبک فرزندپروری والدین از لحاظ مولفه هایی چون مراقبت، رابطه و ساختار نامناسب است، بستر تحول نامناسب فراهم شده و در نتیجه موجب رفتارهایی می شود که به عنوان منفی برجسب خورده است. زمانی که این مولفه ها افزایش می یابد رفتارهای مثبت نیز افزایش می یابد که این شرایط عموماً با سبک فرزندپروری مقتدرانه رابطه دارد (دیاز، ۲۰۰۵). از سویی دیگر کاهش این مولفه ها که معمولاً با سبک فرزندپروری سهل گیرانه و مستبدانه همراه است با کاهش رفتارهای مثبت مورد انتظار رابطه دارد. در سبک سهل گیرانه، کمترین میزان ساختار موجود است. این والدین کنترل روی رفتار کودک خود ندارند، بنابراین اکثر این کودکان بی کفایت اند. همچنین مولفه ی مراقبت نیز در این والدین کم است. بنابراین انتظار می رود این سبک فرزندپروری نیز با پیامدهای منفی و مشکلات برونی سازی شده از جمله اختلال لجبازی و نافرمانی و اختلال رفتاری و کرداری در کودک رابطه داشته باشد (آینولا و نورمی، ۲۰۰۵).

References

- Ahangareanzabi, A., Sharifi daramadi, P., & Farajzadeh, R. (2011). The relationship between parental parenting style with adolescent aggression Shabestar city. *Journal of Cognitive and Behavioral Sciences*. The first year, first issue, a row (1). Pp1-8. (Persian)
- Amini, F. (2000). *Compare the performance of students in independent and dependent family*. Master Thesis Consulting, Teacher Training University in Tehran. (Persian)
- Alizadeh, H., & Andries, C. (2002). Interaction of parenting styles and attention deficit hyperactivity disorder in Iranian parents. *Child and Family Behavior Therapy*, 24, 37-52. (Persian)
- Alexander, T. E. (2006). Parenting and behaviors of 12 to 15 year old males in The Virgin Islands. Unpublished doctoral dissertation, Walden University, New York [On-Line]. Available: <http://www.proquest.com>
- Aunola, K., & Nurmi, J. (2005). The role of parenting style in children problemBehavior. *Journal of Child Development*, 76(6), 1144-1159.
- Baumrind, D. (1991). The influence of parenting style on adolescent competence and use. *Journal of early adolescence*, 11, 56-95.
- Bugental, D. B., & Grusec, J. E. (2006). Socialization processes. In W. Damon & R. M. Lerner (Eds. In chief) & N Eisenberg, (Vol. Ed.), *Handbook of child psychology: Vol. 3. Social, Emotional and Personality Development* (6th ed., pp. 366-428). New York: John Wiley and Sons.
- Buri, J. (1991). Parental authority questionnaire. *Journal of Personality Assessment*, 57, 110-119.
- Diaz, Y. (2005). Association between parenting and child behavior problems among Latino mothers and children. Unpublished Master Thesis, University of Maryland, Maryland. Disabilities. *The Internet Journal of Mental Health*, 1(2), 48-61.
- Dwairy, M., & Menshar, K. E. (2006). Parenting style, individuation, and mental health of Egyptian adolescents. *Journal of Adolescence*, 29, 103-117.
- De Hart, T., Pelham, B. W., & Tennen, H. (2006). What lies beneath: parenting style and implicit self-esteem. *Journal of Experimental Social Psychology*, 42, 1-17.
- Gimpel, G. A., & Holland, M. L. (2002). Emotional and behavioral problems of young children: Effective interventions in the preschool and kindergarten years. New York Guilford press.
- Grayson, P., & Carlson, G. A. (1991). The utility of a DSM-III-R based checklist in screening childpsychiatric patients. *Journal of the American Academy of child and Adolescents Psychiatry*, 30, 69-673.
- Haapasalo, J., & Tremblay, R. E. (1994). Physically aggressive boys from ages 6 to 12: Family background, parenting behavior, and prediction of delinquency. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 62, 1044-1052.
- Hemati Almdarlo, GH., Hussein Khanzadeh, A. A., Arjmandi, M. S., Timurid, M. M., & Taher, M. (2014). The maternal parenting style to predict behavioral problems in preschool children with intellectual disability. *Journal of Special Education*, Vol. 14, No. 3, row 12, Pp 7-16. (Persian)
- Hiramura, H., Uji, M., Shikai, N., Chen, Z., Matsuoka, N., & Kitamura, T. (2010). Understanding externalizing behavior from children's personality and parenting characteristics. *Psychiatry Research*, 175(1-2), 142-147.
- Hollenstein, T. (2004). Rigidity in parent-child interaction and the developmental of externalizing and internalizing early childhood. *Journal of Abnormal Child Psychology*, 32, 595-607
- Katanin, S. (1997). Childhood temperament and mother's child rearing attitude. *European Journal of personality*, 11, 249-265.
- Kalantari, M., Neshat doost, H., & Zareie, M. B. (2000). The effectiveness of behavioral parent training and medicationTherapy on the symptoms of attention deficit hyperactivity disorder in children / hyperactivity. *Magazine psychological*, 2000, 118 -135, 5 (2). (Persian)
- Kamijani, M., & Maher, F. (2009). Comparison of parenting styles with adolescents and juvenile's behavioral disorder with normal cases. *Quarterly Journal of Applied Psychology*, 2009, Vol. 9, No. 33, p 63-94. (Persian)
- Kaveh, M. (2012). *The social pathology of the disease (Volume I)*, Tehran, sociologists publication, printed in 2012. (Persian)
- Khanjani, Z., Ismaili, B., & Gholamzadeh, M. (2012). The role of parenting practices predict anxious thoughts and obsessive-compulsive symptoms in adolescents. *Journal of Yazd University of Medical Sciences martyr*. Volume 20, Number 1, Pp 38-48. (Persian)
- Luster, T., Mcadoo, H., & Pipes, N. (2000). Factors related to the achievement and adjustment of young African American children. *Child development*.

- Louma, I. (2004). Form pregnancy to middle childhood: what predicts a child socio-emotional wellbeing? Academic dissertation. University of Tempere, medical school, Tempere University Hospital, Department of Child Psychiatry.
- McCarty, C. A., Lau, A. S., Valeri, S. M., & et al. (2004). Parent- Child interactions in relation to critical and emotionally overinvolved expressed emotion: is EE a proxy for behavior? *J abnorm Child Psychol*, 2004, 32: 83-93.
- Mohammad Isamil, E. (2007). Adaptation and standardization of child abuse log marks the fourth edition (CSI-4). *Journal of Htyh Exceptional Children*, 7 (1), 79-96. (Persian)
- Poursina, Z., Thamasiyan, K., & Sadeghi, M. S. (2015). Emotional Safety mediating role in the relationship between family functioning and children's behavioral problems. *Journal of Family Psychology*, Vol. 1, No. 2, 69-78. (Persian)
- Portes, J., Howel, P., Brown, Y., & Igenberg, D. (1995). The relation between family function and adjustment adolescence. *Journal of health and social behavior*, 25, 136-159.
- Reitman, D., Rhode, P. C., Hupp, S. D. A., & Altobello, C. (2002). Development and validation of the parental authority questionnaire—revised. *Journal of Psychopathology and Behavioral Assessment*, 24, 119-127.
- Rinaldi, C. M., & Howe, N. (2012). Mothers' and fathers' parenting styles and associations with toddlers' externalizing, internalizing, and adaptive behaviors. *Early Childhood Research Quarterly*, Vol. 27 (2), 266-273
- Sadegh Khani, A., Ali Akbari Dehkordi, M., & Kakujuibari, A. (2014). Maternal parenting practices on male students aged 7 to 9 years of primary school with oppositional defiant disorder and normal in the city of Ilam. *Journal of exceptional*, year3, No. 6, p 95-109. (Persian)
- SadrSaadat, J., Shams Esfandabadi, H., & Imamipoor, S. (2007). Parenting practices and family functioning comparing in families with irresponsible, and common behavioral disorders. *University Journal of Medical Sciences*, Volume 7, Number 2, p 43-48. (Persian)
- Sameroff, A. (2004). Parental discipline and externalizing behavior problems in early childhood: The roles of moral regulation and child gender. *Journal of Abnormal Child Psychology*, 32, 369-383.
- SheK, D. L. (1998). A longitudinal study of Hong Kong adolescent's and parent's perceptions of family functioning and well-being. SREL. *Social Service Review*, 64, 121-142.
- Taanila, A. (2002). Effects of family interaction on the child's behavior in single parent Or reconstructed families. *Journal of Family Process*, 41(4), 693-708
- Webster-Stratton, C. (2005). Aggression in young children: Services proven to be effective in reducing aggression. Reved. Tremblay RE, Barr RG, Peters RDeV, eds *Encyclopedia on Early Childhood Development*.
- Youseliyani, G. A., Habibi, M., & Soleymani, E. (2012). Disciplinary favorable relationship with the family, locus of control and self-esteem. *Journal of school psychology*, Volume 1, Number 2, Pp 114-134. (Persian).

Journal of
Thought & Behavior in Clinical Psychology
Vol. 9 (No. 36), pp. 17-26, 2015

Studying Family Functioning and the Role of Maternal Parenting Styles in Predicting Children's Behavioral Problems in Boys Aged 5 to 10 Years in Ahvaz City

Karzadeh, Sheila

Islamic Azad University, Khomein branch, Khomeini, Iran

Abdi, Mansour

University of Arak, Arak, Iran

Heidari, Hassan

Islamic Azad University, Khomein branch, Khomeini, Iran

Received: Apr 17, 2015

Accepted: Aug 01, 2015

Family environment is the most favorable place for the growth of the child and one's mental and physical sublimation. The aim of this study was to study family functioning and the role of maternal parenting style in predicting children's behavioral problems in boys aged 5 to 10 years in Ahvaz city. For this purpose, in a descriptive study, correlational type, 200 mothers were selected among mothers of boys aged 5 to 10 who were at preschool and primary school, in Ahvaz city. They were selected in a form of clustered multi-stage, randomly. They were tested in terms of family functioning, parenting styles and children's behavioral problems. For data analysis correlation coefficient and multiple regression were used. The results indicated that the authoritarian parenting style with mean of 22.33 is among the highest parenting style in mothers. Subscales of communication, emotional companionship, behavioral control and general family functioning had a significant relationship with behavioral problems. Authoritarian parenting style has a positive relationship with hyperactivity disorder and has a negative significant relationship with mood disorder. The result also indicated that permissive parenting style has a positive significant relationship with hyperactivity disorder, behavior, action and separation anxiety and a negative significant with mood disorder. The results indicated that only the subscales of emotional companionship was able to predict separation anxiety disorder. Permissive parenting style was able to predict hyperactivity disorder and separation anxiety, authoritarian style parenting style was able to predict behavior and action disorder and mood disorder, authoritative parenting style was able to predict separation anxiety.

Keywords: family functioning, parenting style, behavioral problems

Electronic mail may be sent to: shilakarazehh@gmail.com